

# سفال؛ خط‌پیش از تاریخ

سفال کهن، این مثنی خاک و گل که بدست مردی ناشناخته و هنرمند شکل گرفته و نقشهائی بر آن اضافه شده و بدست ما رسیده است، پیامی است گویا و آموزنده از سازندگان و نقش آفرینان آنها که باید با دقت و حوصله مورد مطالعه و بحث قرار گیرند.

با بهره‌هاییکه باستانشناسان و محققان از سفال و بویژه از نقوش موجود در روی آنها، برای شناسائی تمدنها و شیوه‌های گوناگون زندگی سازندگان آنها میگیرند، باید گفت که نقوش روی سفالهای پیش از تاریخ در واقع خط و نوشته مردم آن روزگار بوده است و بعدها نیز از خلاصه شدن و شکل گرفتن همین نقوش خطوط اولیه و تصویری بوجود آمده و بوسیله همین تصاویر وقایع تاریخی و رویدادها و شیوه اندیشه و زندگی مردم روزگار گذشته مجسم گردیده و بدست بشر امروز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

با توجه باین مسائل از سالیان دراز سفال مورد توجه مخصوص باستانشناسان قرار گرفت و وسیله‌ای برای شناخت و مطالعه تمدنهای گوناگون گردید با ویژگیهاییکه سفال هر تمدن و هر سرزمین از نظر ساخت و جنس و رنگ و نقوش دارد شناسائی تمدنها آسانتر و عملی‌تر میگردد و باستانشناسان با مقایسه سفالهای بدست آمده در اطراف نواحی باستانی و در ضمن کاوشهای باستانشناسی و گمانه زنیها، تمدنها را شناخته و طبقه‌بندی میکنند. در واقع سفال بزرگترین کمک و خدمت را به شناسائی تمدن عصر خود مینماید. در يك حفاری بدون سفال در صورتیکه تمدن قبلاً شناخته شده باشد، شناسائی مشکلتر مینماید ولی با بدست آمدن سفال، بصورت ظروف سالم یا حتی خرد شده، و با مطالعه و مقایسه آنها با سفالهای شناخته شده پیشین، تمدن مورد نظر باز شناخته میشود.

گذشته از اهمیتی که سفال از دیدگاه باستانشناسان دارد، باید همه مردم بویژه کسانیکه بجهاتی با سفالهای قدیمی، مخصوصاً سفالهای پیش از تاریخ، سروکار پیدا میکنند، با اهمیت آنها پی ببرند و در رساندن آنها بدست مطلعین کوتاهی نکنند چه با که يك تکه سفال و یا يك ظرف سفالین که در پای تپه‌ای و یا بهنگام کندوکاو زمین و دیگر مواقع بدست می‌آید سرنخی باشد از تمدن نهفته در دل خاک که باید بوسیله کاوشگران بیرون کشیده و شناخته گردد \*

امروزه سفال نقش و اهمیت خود را در زندگی روزمره بخاطر وجود فلزات و دیگر مواد محکم از دست داده و تقریباً بصورت تزیینی درآمده است. البته در بعضی از شهرها و دهات بویژه همدان هنوز کارگاههایی برای ساختن سفال عرضه آنها به بازار وجود دارد و در کارگاههای وزارت فرهنگ و هنر نیز سفالهایی با طرح و فرم امروزی، و فقط بخاطر جنبه هنری و زیبایی آن، ساخته و پرداخته میشود که بسیار زیبا و ارزنده است. در ادوار گذشته، بویژه در دورانهاییکه هنوز بکار بردن فلزات گسترش زیادی نیافته بود ظروف سفالین که باشکال گوناگون ساخته شده بود در همه موارد زندگی مورد استفاده قرار میگرفت. از طرفی درون و بیرون ظروف سفالین وسیله و مکانی بود برای تجلی پیام هنرمندان و شاید هم اندیشمندان و پیشوران و باید گفت که این مردم چه گریش خوب و بجائی کرده اند زیرا هیچ چیز، نمیتوانست مانند سفال امانت‌دار و نگهدارنده پیام آنان باشد. فراوانی و شکل‌پذیری و همچنین دوام زیاد سفال سبب گردیده که امروزه ما در جاهای تقریباً هموار و آسان تا دورانهای بسیار دور و گذشته و تاریخ زندگی انسان پیش برویم. صورتگران سفال‌ساختی بیشتر ظروف مورد مصرف کارهای عادی و ناچیز روزمره را نیز به نقشی دلپذیر و گویا آراستهند. این خود میرساند که آنها سفال را تنها از نظر يك وسیله برآورنده نیازهای عادی زندگی نمی‌نگریستند بلکه آنرا وسیله‌ای برای رساندن پیام خود میدانستند. و بخصوص برای ارضاء عطش زیبایسندی خود ظروف سفالین را این چنین زیبا و دلانگیز از کارگاه خود بیرون میدادند.

## پیدایش سفال

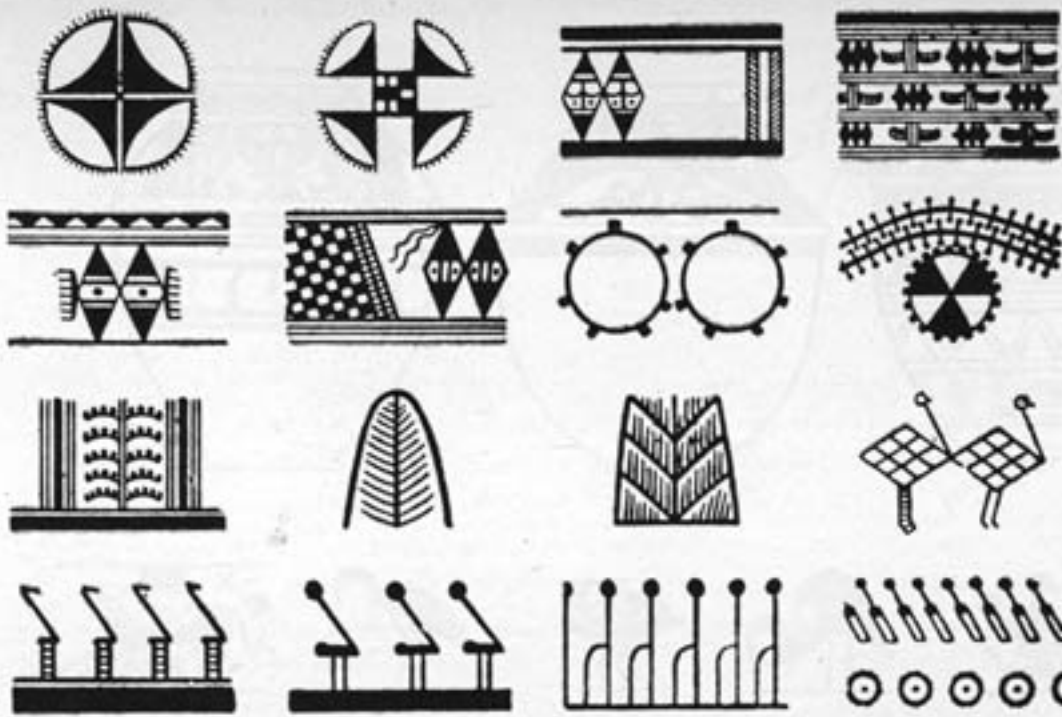
اکنون که با اهمیت سفال و نقش ارزنده آن در شناسائی تمدن پی بردیم لازم است بدانیم که سفال چگونه و کی بوجود

\* این مسئله، یعنی اهمیت دادن به سفال، مانند دیگر اشیاء باستانی، باید بطریقی به همه مردم تفهیم گردد و بویژه موضوع باید به سیاهیاییکه به نقاط دور دست کشور فرستاده میشوند یادآوری گردد تا بهنگام برخورد با سفال در نقاط دور افتاده در نگهداری آن بکوشند و آنرا بطریقی به مسئولان مربوطه برسانند.



آن آشنا شده بود تا مدتها پس از دوران آغاز کشاورزی ادامه داشت، آشنائی با سفال مربوط به دوره آغاز کشاورزی است. باین ترتیب که بشر در اواخر دوران شکار، بتدریج بفکر استفاده از محصولات گیاهی افتاد و این سبب گردید که رفت و آمدها را از دانه‌های مختلف را جمع‌آوری کند و در زمین اطراف غار یا محل سکونت بزمین افشاند و همین امر باعث این شد که انسان از دوره گردی دست بردارد و در کنار مزرعه خود ساکن شود. برای نگهداری محصولات کشاورزی انسان نیازمند ظرف و مکان محفوظی بود. این ظرف در آغاز از سبدهائی که از شاخه درختان بافته بود تشکیل می‌یافت و برای اینکه دانه‌ها از سوراخ سبدها نریزد داخل آن با گل اندود میشد. بر حسب تصادف یا بصورت آزمایش و نیاز - بیشتر بر حسب تصادف - بشر این سبدها را در کنار آتش قرار میدهند و میبینند که پس از

آمده و با زندگی انسان نهاده است برای این منظور باید نگاهامی کوتاه به دوره‌های مختلف زندگی بشر از آغاز آن بیفکنیم: پس از آنکه انسان اولیه از روی درختان به پائین آمد و قدم به دشت و دامنه کوهها نهاد مدتی را در شکار حیوانات گذراند و در غارها و شکاف کوهها زندگی کرد. در این دوران بیشتر ابزار دست بشر سنگی بود که خود، چند دوران مختلف از نظر خشن، میقلی و یا تراشیده بودن گذرانده است. بطور کلی از نظر شیوه زندگی، بشر از دیرباز تا این زمان که آن را عصر ماشین میدانیم دورانهای گردآوری خوراک، شکارچی گری و کشاورزی و شهرنشینی را گذرانده است. در هر کدام از این دوره‌ها انسان اولیه و انسان شکارچی و کشاورز هر یک با ابزارهایی از جنس‌های گوناگون سروکار داشته است. استفاده از ابزار سنگی که از آغاز زندگی بشر با



در نتیجه انگیزه زیباپسندی سازندگان و مصرف‌کنندگان آن ظروف باشد ولی در هر حال اکنون این نقوش ترجمان پیام هنرمندان گفتم نقشگر این سفالها است .

در میان ظروف سفالی نقش‌دار ، ظروف متعلق به ایران زیباتر و گویاتر از دیگر انواع خود میباشد و مانند آنها کمتر در جاهای دیگر دیده شده است در واقع ایران زادگاه سفالهای نقاشی شده میباشد و پیشینه آن به حدود سال چهار هزار پیش از میلاد میرسد .

پیدایش چرخ و کوره در امر ساختن مصالح ساختمانی، یعنی آجر نیز تأثیر گذاشت و تکاملی در خانه‌سازی بوجود آورد . در کشور ما نقاط زیادی کشف شده که در آنها آثار زندگی اولیه و پیش از تاریخ بخوبی نمایان است و مشهورترین آنها تپه سیلک کاشان و جعفرآباد است و برابر گفته دانشمندان و باستان‌شناسان یافته‌های باستانی این نقاط به هزاره پنجم پیش از میلاد تعلق دارد . یعنی از این تاریخ زندگی شهرنشینی در این تپه‌ها بوجود آمده که سفالهای آنها نشان دهنده این واقعیت میباشد .

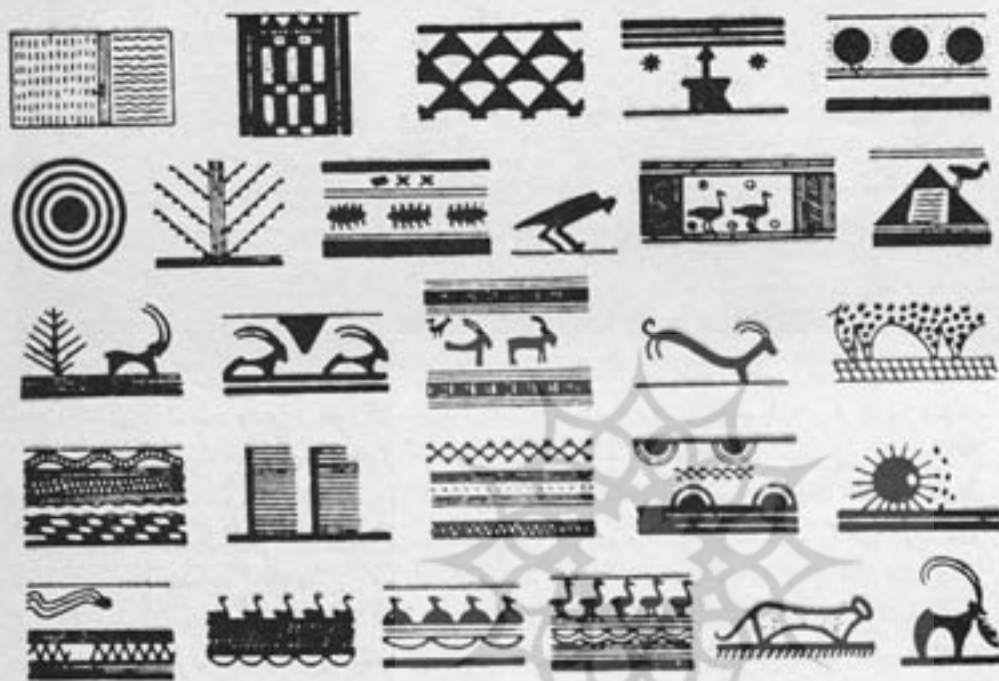
مردم فلات ایران پس از آشنائی با نقاشی روی سفال در آغاز از خطوط هندسی ، که شاید همان نقش سبد الهام‌بخش آنها بوده است ، استفاده میکردند و سپس رفته رفته تقلید از طبیعت جای خطوط هندسی را گرفت و نقاشان سفال در روی آنها گلها و گیاهان و یا حیواناتی مانند : لک‌لک ، مار ، شترمرغ ، پلنگ ، قوچ کوهی و مرال را در روی ظروف با فواصل معین و مانند خود حیوان نقاشی میکردند . دیری نپائید که این شیوه به سبب ذوق هنری و ابداع و ابتکار

سوختن چوبها گل داخل آن سفت و سخت میشود بطوریکه میتواند آب را در خود نگهدارد و عجب‌تر آنکه میتوان آنرا کنار آتش قرار داد بدون اینکه از میان برود .

بعقیده اکثریت دانشمندان و مردم شناسان سرگذشت بوجود آمدن سفال این چنین بوده است . از آن پس بشر ظروفی را که قبلاً از گل درست میکرد در برابر آفتاب خشک مینمود و سپس در داخل آتش قرار میداد تا پخته و محکم و بادوام شود و چون در مراحل اولیه ظروف سفالین بهمین صورت ناقص پخته میشد سیاه‌رنگ و تیره رنگ بود . روی جدار بعضی از این سفالها هنوز نقش چوبهای سبد نمایان است و بعدها هم حتی نقاشان ظروف سفالین تحت تأثیر همین امر نقوش اولیه را شبیه به نقش چوبهای سبدهای بافته شده نقش کرده‌اند . از این پس سفال همراه با تکامل بشر و زندگی او بکمال رفت و ظریفتر و زیباتر شد . در سفالهای اولیه جای انگشتان سازندگان آن و وسائلی که با آنها روی ظروف سفالی را خراش و هموار کرده‌اند باقی مانده و نشان دهنده شیوه ساختن ظروف میباشد .

سالها بعد ، پس از آنکه چرخ سفالگری بوجود آمد و کوره‌های پخت سفال تکامل پیدا کرد سفالها ظریفتر و نازکتر و خوشرنگ تر شد . زیرا با چرخ بهتر میشد ظرف را شکل داد و در کوره‌هاییکه آتش و حرارت آنها تا اندازه‌ای قابل کنترل بود بشر میتوانست پخت سفال را بوضع مناسب‌تری انجام دهد .

مهمترین پیشرفت در صنعت سفال سازی بوجود آمدن نقاشی روی سفالها بوده است . گفتیم که این امر ممکن است



شکار و کشاورزی و گاهی رقص و دیگر پدیده های متحرک  
و جاندار زندگی مورد توجه هنرمندان قرار گرفت .

هیچگاه قانع و پای بند یافته های خود در زمینه نقش و رنگ  
و شکل نبودند و پیوسته در پی نوجویی و ابداع روشهای تازه  
در این زمینه بودند . در این نوجویی الگوی کار آنها بازم  
طبیعت بود و هنرمند هر آنچه را که در گرداگرد خود میدید  
و می یافت اگر به نظرش جالب مینمود سرمشق کار خود قرار  
میداد . در این نوجویی این هنرمندان گویا بدنبال گذشته ای  
بودند که در همان هنگامه پیدا شد و آن خط تصویری بود .

با وجود اینکه مصالح و روش کار برای ساختن و  
پرداختن سفال از نظر کلی در همجا یکسان بوده باز هنرمندان  
نقاط مختلف با شیوه ای جداگانه کار کرده اند که اکنون ما از  
روی روش کار آنها سفالهای متعلق به نقطه را از همدیگر  
تمیز میدهیم .

دگرگون شد و نقاشی به سبک طبیعی و برابر آنچه که در طبیعت  
وجود داشت نتوانست ذوق لطیف هنری انسانهای هنرمند زمان  
گذشته را تسکین بخشد و آنها هم بمانند نقاشان روزگار ما به  
سرخ و دگرگون سازی طبیعت و موجودات و اشیاء موجود در  
آن پرداختند . در این دگرگونی به پاره ای از اعضای بدن  
حیوانات توجه ویژه ای مبذول شد و بعضی از این اعضا بطور  
اغراق آمیز و شگفت انگیزی نمایانده شد . از آن جمله شاخ  
حیوانات به شکلی دور از باور بزرگ و دراز و در قالب اشکال  
هندسی درآمد . دم بعضی از حیوانات بصورت درخت و شاخ و  
برگ جلوه گر شد . پای شتر مرغ و نوك و گردن لكك و  
مرغ ماهیخوار از حالت طبیعت خارج و پراز ریزه نگاریهای  
هنری شده روش قرینه سازی که در گذشته معمول بود از میان  
رفت . این نابسامانی که در عین حال دارای روش و قاعده ای  
مخصوص بود نیز دیری نپائید و بار دیگر توجه به طبیعت و  
زندگی و جنب و جوش آن معطوف گردید و صحنه های نشان  
داده شد که نمایشگر جنبش و حرکت و زندگی بود . صحنه های